

نمایه مطالب

فصل ۱: درآمد.....	۱۳
سؤال و شناخت حقیقت	۱۳
تعریف موسیقی	۱۷
موسیقی سنتی ایران و موسیقی غربی	۱۹
مقام.....	۲۰
دستگاه، آواز، گوشه.....	۲۰
چند اصطلاح موسیقی غربی	۲۱
سنفونی	۲۱
موومان (Mouvement)	۲۱
سونات (Sonate).....	۲۱
سوئیت (Suite)	۲۲
اپرا (Opera)	۲۲
اپرت (Operette)	۲۲
فولکور - در ادبیات.....	۲۳
شکل و محتوای موسیقی.....	۲۳
فصل ۲: تحلیل موسیقی (رابطه موسیقی با شخصیت و نظام روحی انسان).....	۳۳
بحث یکم: مقایسه گل و عموم مناظر طبیعی با موسیقی در محتوا	۳۳
بحث دوم: مقایسه شعر و موسیقی	۳۴
بحث سوم: مقایسه نقاشی و موسیقی.....	۴۳
بحث چهارم: مقایسه خط زیبا و موسیقی.....	۴۴

۴۷	بحث پنجم: شکل و وسیله بروز موسیقی
۴۹	بحث ششم: رابطه موسیقی با عواطف انسانی
۵۸	بحث هفتم: تفاوت میان موسیقی‌های روحانی و غیر روحانی در ارزش
۵۹	بحث هشتم: ضرورت یا عدم ضرورت موسیقی
۶۳	بحث نهم: رابطه موسیقی با جان آدمی
۶۵	بحث دهم: منشأ واقعیت برون ذاتی موسیقی
۷۰	بحث یازدهم: ناسازگاری سماع با شهود حق
۷۱	بحث دوازدهم: موسیقی و رویارویی انسان با خود
۷۲	بحث سیزدهم: نسبت موسیقی با نفی خشونت
۷۶	بحث چهاردهم: موسیقی و تفهیم حقایق شهودی
۷۷	بحث پانزدهم: نسبت موسیقی با هیجانات و لذایذ
۸۰	بحث شانزدهم: تمایز محتوای اصوات موزون با موسیقی
۸۳	بحث هفدهم: موسیقی و یادآوری واقعیات
۸۵	بحث هجدهم: اختلاف تأثیر موسیقی در مراتب پست حیات و مراتب عالی آن
۸۶	بحث نوزدهم: موسیقی و تلطیف روح یا نفس
۸۷	بحث بیستم: موسیقی و شخصیت‌های کمال یافته
۸۹	بحث بیست و یکم: شخصیت آدمی در تأثر از موسیقی
۹۶	بحث بیست و دوم: موسیقی و درمان
۹۹	بحث بیست و سوم: موسیقی و زندگی ماشینی
۱۰۳	فصل ۳: موسیقی از دیدگاه هگل
۱۰۵	مطلب یکم - مکان (بعد هندسی) و موسیقی
۱۰۶	مطلب دوم - آیا خطاب هنر موسیقی با حس شنوایی است؟
۱۰۶	مطلب سوم - معنای توالی اصوات یا نواها در زمان

نمایه مطالب ۷

- مطلب چهارم - آیا موسیقی، هنری مطلقاً ذهنی است؟ ۱۰۷
- مطلب پنجم - مقایسه تصویر با موسیقی ۱۰۸
- مطلب ششم - نوای موسیقی پاینده نیست، چه معنا می‌دهد؟ ۱۰۹
- مطلب هفتم - موسیقی و عینیت واقعی ۱۱۰
- مطلب هشتم - معنای وحدت موسیقی با جان آدمی ۱۱۱
- مطلب نهم - تأثیر موسیقی بر نفس انسان ۱۱۶
- مطلب دهم - راز جذابیت موسیقی ۱۱۷
- مطلب یازدهم - نمایش زمان به عنوان یک جریان مستمر غیر از واقعیت زمان ۱۱۸
- مطلب دوازدهم - مقایسه میان پیوستگی مجرد زمان و کلیت محض نفس آدمی ۱۱۹
- نگاهی دیگر به تجزیه نفس و رجوع آن به وحدت اصلی خویش در موسیقی ۱۲۰
- فصل ۴: مولوی و موسیقی ۱۲۷
- نظریه جلال الدین محمد مولوی درباره موسیقی و سماع ۱۲۷
- فصل ۵: موسیقی و مبنای فقهی آن ۱۳۹
- ۱- غنای صوت انسانی ۱۴۰
- ۲- ادوات و ابزار موسیقی، که با فکر و دست بشری ساخته شده است ۱۴۰
- ابزار و وسایل موسیقی در منابع حدیثی ۱۴۲
- نمایه آیه‌ها ۱۴۵
- نمایه روایات ۱۴۷
- نمایه نام‌ها ۱۴۹
- نمایه کتاب‌ها ۱۵۳

هو العظیم

پیشگفتار

از جعفری چه توقع می‌رود هنگامی که آهنگ ارغنون هستی در وجود جاننش به آوا درآمده و تمامی موسیقی‌ها و سمفونی‌های ساخت بشر را به کنار زده و تنها نوا و ندای حق، گوش جاننش را نوازش می‌دهد؛ با آن نوا تمامی اعضای وجودش به وجد برمی‌خیزد و با آن بهجت که در نهایت با چند قطره آهی که از بالا جاری است، به معنا و تفسیر زندگی و هستی می‌نشیند، و از «آن چنان که هست»، رهسپار «آن چنان که باید»، می‌شود و رهروان را نیز به آن راه دعوت می‌کند!

جعفری وجودش با آن‌گونه آهنگی آرام می‌گیرد که از دل طبیعت به آواز می‌آید. از صدای صخره‌ای به ابتهاج می‌رسد که مقاومت وجودش را صد چندان کند؛ از ناله نی نیستانی که مرغ جاننش را رهسپار نوای الهی کند؛ از صدای نغمه پرنده‌ای بی‌قرار می‌شود که به نهایت آرامش می‌رساندش؛ از زیبایی شاخه گل تازه شکفته‌ای به وجد می‌آید که شکوفایی وجودش را تصاعد می‌بخشد؛ نوای وجود جعفری از پدیده‌هایی است که در قانون هستی به صدا درمی‌آیند، و در نهایت، نوای آهنگ کلی هستی است که او را را به شدن و بودن فرامی‌خواند...

این که می‌گوییم نوا و ساز و سنتی و پاپ، همه واژه‌هایی است که

از دل فرهنگ هر ملت برخاسته است و فقط به جان آنها خواهد نشست. جای تأمل است اگر بگوییم موسیقی فقط غم و شادی را در ما ایجاد می‌کند. تفکر و درنگی نیاز است اگر بگوییم روح ما با موسیقی ارتباط دارد و از آن الهام می‌گیرد! موسیقی نوایی است که در وجود ما وارد شده، غم‌ها و شادی‌ها و بعضی از استعدادهای ما را با اشک و حرکات موزون و خنده و ... بروز می‌دهد. آنچه هست، در وجود ماست؛ با موسیقی وارد بر ما نمی‌شود.

اگر از موسیقی، خواننده یا وجد و طرب‌های گوناگون ایجاد می‌کنند، فقط بروز آمادگی و استعدادی است که در شخص وجود داشته است؛ موسیقی آن را استخراج می‌کند، وگرنه موسیقی قدرت درک و ایجاد حرکات موزون و صوت توسط حنجره را ندارد:

هر صوت جالب، آن حالات و کیفیات و مفاهیمی را وارد صفحه آگاه ذهن می‌کند که در درون انسان شنونده وجود دارد. انسانی که درونش حالت اندوه دارد، اگر موسیقی اندوه‌آور برای او بنوازند، حالت مزبور در او تحریک می‌شود و اگر درون شنونده از چنان حالی خالی باشد، موسیقی اندوه‌آور نمی‌تواند اثری در او ایجاد کند. یا اگر کسی انگیزه و دریافتی دربارهٔ هجوم به دشمن نداشته باشد، بدیهی است که موسیقی محرک هجوم (مارش جنگی) نمی‌تواند تأثیری بر او داشته باشد.

با این جملات متوجه می‌شویم که نوازندهٔ موسیقی، حالت و کیفیت خاص خود را در نوایی ایجاد می‌کند که موجودیت روح انسان‌ها را تحریک کند. البته این پذیرش تحریک برای انسان‌ها به موقعیت اجتماعی و فردی و فرهنگی هم بستگی دارد، که تا چه حدی

این موسیقی‌ها و آواها در شخص مؤثر واقع گردد. از نظر استاد جعفری، اختلاف در فرهنگ‌ها موجبات اختلاف در آواها و موسیقی‌ها را ایجاد می‌کند. او معتقد است که اگر موسیقی محتوای ذاتی داشت، همه ملت‌ها به شکلی واحد باید از همه موسیقی‌ها لذت می‌بردند و در واقعیت استفاده از موسیقی، چنین چیزی قابل مشاهده نیست:

محکم‌ترین و روشن‌ترین دلیل خالی بودن موسیقی از محتوای ذاتی، اختلاف شدید بازتاب اصوات و موسیقی‌ها در میان اقوام و ملل مختلف است ...

البته منکر نمی‌شویم که انواعی از موسیقی‌ها و بلکه انواعی از اصوات موزون وجود دارند که تأثیر مشترک در درون ایجاد می‌کنند، مانند بعضی از «مارش»ها (آهنگ‌هایی که برای هجوم و تحریک جنگجویان برای حمله به دشمن نواخته می‌شود)، ولی این تأثیر مشترک، مستند به اصول فطری و مشترک فرهنگ‌هاست که در محیط‌ها و جوامع گوناگون فراگیر است.

به طور خلاصه، از زبان او می‌توان چنین دریافت که:

موسیقی آن تأثرات و عواطف را برمی‌انگیزد که مربوط به آن سطح نفس آدمی است که مجاور برون ذات است و بیشتر این پدیده‌ها محصول محیط و فرهنگ، به معنای عام آن، در اقوام و ملل دنیاست و ذاتاً جنبه ماورای طبیعی ندارد.

فصل ۱

درآمد

سؤال و شناخت حقیقت

پیش از ورود به مباحث این کتاب، چهار مقدمه مختصر را ذکر می‌کنیم:

مقدمه یکم - در امتداد تاریخ طولانی معارف بشری، گاهی جملات جاودانی بسیار مهمی از صاحب نظران ژرف‌نگر و وارسته صادر شده و به عنوان اصول و قواعد سازنده «حیات معقول» انسان‌ها تأثیرات مفید گذاشته است. این جملات در فلسفه و علوم انسانی که از بسیاری مبانی ثابت برخوردارند، ضرورت و عظمت ویژه خود را دارد. یکی از آن جملات، قضیه‌ای است که به عنوان توصیفی درباره یکی از ابعاد فلسفه به یادگار مانده است. این قضیه در یک قالب ادبی زیبا چنین است:

فلسفه به معنای حکمت، آن ذره‌بین است که همه چیز می‌خواهد از آن فرار کند، ولی او هیچ چیز را «بدون سؤالات ضروری و مطالبه پاسخ به آنها» رها نمی‌کند.^۱

۱- این جمله، به جز «بدون سؤالات ضروری و مطالبه پاسخ به آنها»، از ویکتور هوگو است.

بدیهی است که منظور از این قضیه، تعریف کاملی از یک عده معارف به عنوان مسائل فلسفی نیست، بلکه مقصود آن است که بررسی و تحقیق عمیق که بتواند پاسخ سؤالات مطروحه درباره شناخت یک حقیقت را که مطلوب متفکر است، به دست بیاورد، از مهم‌ترین مختصات مغزهای متفکر است؛ همان‌گونه که هر موضوعی که برای یک انسان اندیشمند مطرح شود، قطعی است که همان موضوع هرچه باشد، قابل تحلیل به مسائلی است که مغز کنجکاو آدمی برای وصول به پاسخ نهایی آنها آرام نخواهد گرفت. این تلاش و فعالیت، یکی از ویژگی‌های فلسفه به معنای «حکمت» است. همین خاصیت حیاتی حکمت است که موجب گسترش و تعمیق معلومات بشری در قلمروهای مختلف طبیعت و علوم انسانی شده است. از طرفی نیز همه صاحب نظران آگاه می‌دانند که هر حقیقتی که ابعاد و سطوح و استعدادهای متنوع‌تر داشته باشد، بیشتر نیازمند طرح سؤالات تفکر و دیگر فعالیت‌های مغزی است. برای تصدیق این مدعا کافی است که خود انسان را در نظر بگیریم که به دلیل داشتن استعدادهای و سطوح و ابعاد و قوای بسیار متنوع، منشأ بروز صدها رشته از علوم و معارف شده است.

بدیهی است که موسیقی، به ویژه از آن جهت که با ظریف‌ترین و پیچیده‌ترین حقایق وجود انسانی ارتباط دارد، باید از دیدگاه‌های گوناگون فلسفی، علمی و مذهبی مورد بررسی و تحقیق خالصانه و دقیق قرار گیرد. کوشش ما در این کتاب، برای طرح مباحثی پیرامون

پدیده موسیقی از دو دیدگاه فلسفی و علمی (روانی) خواهد بود. اما بررسی‌های مذهبی مربوط به این پدیده، احتیاج به تألیف کتابی مستقل دارد که اگر خداوند عنایت فرماید، در فرصت‌های آینده انجام خواهیم داد.

پدیده موسیقی، یا هرگونه صدای موزون و دارای آهنگ که در درون انسان‌ها تأثیر وجد و نشاط و انواعی از هیجانات به وجود می‌آورد، جهات متنوع دارد. عمده انواع این جهات عبارتند از:

- ۱- کیفیت و کمیت فیزیکی اصوات موزون و انواع موسیقی
- ۲- وسیله بروز و نمودار شدن اصوات موزون و انواع موسیقی
- ۳- فرهنگی که آن اصوات و موسیقی‌ها در زمینه آن به وجود می‌آیند.

- ۴- فلسفه و هدف تمایل بشر به اصوات مزبور و موسیقی
- ۵- تاریخ بروز پدیده موسیقی و تحولاتی که تاکنون در پشت سر گذاشته است.

- ۶- هویت ارتباط صدای موزون و موسیقی با درون انسان‌ها از دیدگاه فلسفی و روانی

- ۷- ارزش موسیقی در مسیر تکامل انسانی
- با توجه به دو نکته مهم، بر خلاف رسم معمول در تألیفات تحقیقی که مؤلفان به طرح قضایا و اظهار نظر و استدلال در اثبات و نفی‌های مطلوب در آن قضایا می‌پردازند، اغلب مباحث مورد تحقیق در این کتاب اگرچه به صورت قضایای خبری و علمی مطرح می‌شوند، ولی از

مطالعه‌کنندگان و دانش‌پژوهان و صاحب‌نظران محترم تقاضا می‌شود که آن مباحث را به عنوان سؤالات در مقابل خود نهاده، سپس درباره آنها بیندیشند و نتیجه‌گیری کنند.

نکته اول - گسترش غیر عادی و افراطی ارتباط جان‌های مردم امروز با موسیقی که به طور طبیعی سبب بروز مسائلی مهم شده است. نکته دوم - اهمیت فوق‌العاده طرح سؤالات ضروری در قلمرو علوم و معارف است.

اینجانب در مجلد هجدهم از ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، از صفحه ۲۲۰ تا ۲۵۷، مطالبی درباره سؤال که از بزرگ‌ترین عوامل پیشرفت علوم و معارف است، مطرح کرده‌ام. جمله‌ای از صاحب‌نظری را به یاد بیاورید که می‌گوید:

بعید نیست که قلمرو سرنوشت ارزش انسان، وابسته به عمق پرسش‌هایش باشد تا به نوع پاسخ‌ها.^۱

امید آن که این طرز تحقیق، بر تلاش‌ها و دقت‌کاری‌های ما بیفزاید و نگذارد حیات پرمعنای خود را دستخوش احساسات زودگذر کرده و با دلایل بی‌اساس درباره مدعاهایی از پیش پذیرفته‌شده، آن را تفسیر و توجیه کنیم.

مقدمه دوم - مباحث این کتاب را می‌توان به عنوان مقدمه‌ای برای بررسی‌ها و تحقیقات کامل‌تر در نظر گرفت، به ویژه از دیدگاه «علم‌النفس» به معنای آن که از جهتی عمیق‌تر و گسترده‌تر از اکثر

۱- مالرو، آندره، ضد خاطرات، ترجمه ابوالحسن نجفی، چاپ چهارم، ص ۲۸ و ۲۹، انتشارات خوارزمی، سال ۱۳۷۴ شمسی.

روان‌شناسی‌های معاصر به مسائل روانی می‌نگرد، زیرا بیشتر روان‌شناسی‌های دوران معاصر، عمدتاً روش تجزیه‌ای و تحلیلی (آنالیتیک) را پیش می‌گیرند و به روش ترکیبی و کل‌نگری (سنتتیک) اهمیت نمی‌دهند؛ در صورتی که علم‌النفس در شناخت مسائل روانی، هم از روش تجزیه‌ای و تحلیلی و هم از روش ترکیبی استفاده می‌کند. **تعریف موسیقی:** آیا تعریف موسیقی را می‌توان مانند سایر تعاریف معمولی در علوم، به ویژه در علوم تحقیقی مطرح کرد؟ یعنی آیا می‌توان یک تعریف کامل، جامع افراد و مانع اغیار دربارهٔ موسیقی، اگرچه با توجه به ابزار و انواع دستگاه‌های معین و موضوعات و مفاهیم قابل دریافت روانی، مشخص کرد؟ پاسخ به این سؤال بسیار دشوار است، زیرا:

اولاً، همهٔ پدیده‌های ظریف و تجریدی که با روح آدمی سروکار دارند، فوق‌ارکان و اجزای تعاریف معمولی در علوم و معارف تحقیقی عینی است.

ثانیاً، اختلاف اقوام و ملل و تحول فرهنگ‌هایی که در تأثیر انسان از موسیقی‌ها نقشی مهم ایفا می‌کنند.

ثالثاً، برداشت‌های خاص از موسیقی، با نظر به وضع روانی هر یک از افراد انسانی با شرایط موقت یا پایدار درونی آنان.

مقدمهٔ سوم - در بررسی مسائل مربوط به هویت و مختصات موسیقی، توجهی به تفاوت میان اصوات چهارگانه بسیار مناسب به نظر می‌رسد: الف) اصوات موزون و زیبا که از انسان خوانندهٔ آگاه و دارای

احساسات به وجود می‌آید.

ب) اصوات موزون و جذاب که به وسیلهٔ ابزار مخصوص که با فکر و دست بشری ساخته شده است، بروز می‌کند.

ج) اصوات موزون و زیبا که از جاندارانی مانند پرندگان خوشخوان، مانند فاخته و بلبل، به وجود می‌آید.

د) اصوات موزون که از حرکاتِ اصطکاکِ اجزای طبیعت شنیده می‌شود، مانند صدای برگ درختان، چشمه‌سارها، آبشارها و ... البته قسم چهارم که عبارت است از صداهای حاصله از حرکات اصطکاکِ اجزای طبیعت، به ندرت مانند سه قسم بالا جذاب و نشاط‌آور و متنوع است.

آنچه در این قسم اهمیت دارد، برخی اصوات در طبیعت است که موجب تداعی دریافت‌های غلط می‌شود، مانند مشاهدهٔ امواج خروشان دریا و شنیدن صدای آنچه در هنگام برخورد با صخره‌های ساحل موجب توجه به قوانین کلی عالم هستی و آن کسی است که آن را اداره می‌کند. هم‌چنین، مانند حرکات گوناگون برگ‌های یک درخت بلند و زیبا و صدای بسیار ظریف آنها که در عین اختلاف و تنوع، انسان را به جریانِ قانونِ واحد و کلی در عرصهٔ هستی رهنمون می‌شود. بنا بر این، باید گفت: «بازتاب روانی افراد انسانی در برابر اصوات تولیدشده از اصطکاک اجزای طبیعت با یکدیگر، مانند دیگر پدیده‌های مؤثر در روان آدمیان، بستگی به وضع روانی مشخص آنان دارد».

مقدمه چهارم - به عنوان نمونه، پس از این مقدمه، به برخی اصطلاحات و انواع و شکل‌های موسیقی ایرانی و غربی بر حسب ابزار و کیفیت‌های دستگاه‌ها و آوازهای آنها اشاره می‌کنیم.

موسیقی سنتی ایران و موسیقی غربی^۱

موسیقی سنتی، آن موسیقی است که ریشه در فرهنگ ملت‌های پیشرفته قدیم دارد، مانند ملت‌های ایران، چین، هند و ... در موسیقی‌های سنتی، چند عامل مشترک وجود دارد، از قبیل:

- * تداوم این موسیقی‌ها طی قرون و اعصار گذشته، از طریق انتقال آنها از استاد به شاگرد به طریق شفاهی (سینه به سینه)
- * ایجاد جو و فضای تأثیرکننده ویژه در شنوندگان ملت مربوطه
- * وجود قوانین و قواعد دقیق و ثابت
- * ارائه آن توسط موسیقی‌دانان حرفه‌ای که در هنر خود قدرت تصرف پیدا کرده‌اند.

- * اهمیت بدیهه‌پردازی، هنگام اجرای موسیقی
- * لزوم صرف وقت بسیار طولانی برای رسیدن به مقام استادی در این نوع موسیقی و ...

موسیقی سنتی ایران، یکی از انواع پیشرفته، قوام‌یافته و پخته موسیقی‌های سنتی است که تسلط بر قواعد نظری و ظرایف اجرایی و عملی آن، مستلزم سال‌ها تحصیل و تحقیق و ریاضت است.

۱- از جناب آقای دکتر داریوش صفوت که در جمع‌آوری این اصطلاحات ما را باری کردند، کمال تشکر و سپاسگزاری را داریم.

آقای دکتر صفوت در فروردین‌ماه ۱۳۹۲ دعوت حق را لبیک گفت. (ناشر)

مقام - این واژه عربی که به معنای لحن (آهنگ) موسیقی به کار رفته، بعد از اسلام در موسیقی ایران رواج یافته است. به عبارتی دیگر: موسیقی ایران بعد از اسلام متشکل از دوازده مقام بوده که هر مقام، منسوب به یکی از بروج دوازده‌گانه (حمل، ثور، جوزا و ...) است.

دستگاه، آواز، گوشه

از یک قرن پیش، واژه «دستگاه» جایگزین کلمه «مقام» و موضوع انتساب به بروج دوازده‌گانه نیز کنار گذاشته شد.

دستگاه در موسیقی امروز ایران تقریباً معادل واژه مقام، و به معنای مجموعه‌ای همگون از الحان (آهنگ‌های) خاص موسیقی ایران است. به عبارتی دیگر: موسیقی ایران شامل تعداد بسیاری لحن (آهنگ) است که شمار آن را به طور متوسط میان ۲۰۰ تا ۴۰۰ لحن برآورد کرده‌اند. این تعداد آهنگ که در اصطلاح موسیقی امروز، «گوشه» نامیده می‌شود، بر حسب مشابهت‌های ساختاری و فنی، در هفت مجموعه بزرگ به نام «دستگاه» و پنج مجموعه کوچک به نام «آواز» تقسیم شده است. لازم به ذکر است که «آواز»، مجموعه‌ای از گوشه‌هایی است که از لحاظ فنی و علمی، مستقل نبوده، بلکه منشعب و مشتق از دستگاه‌ها هستند، و به همین جهت نام «آواز» به آنها داده شده که با دستگاه‌ها اشتباه نشوند.

نام هفت دستگاه موسیقی امروز ایران به این قرار است: شور، ماهور، سه‌گانه، چهارگاه، همایون، نوا، راست پنجگاه. نام پنج آواز نیز چنین است: ابوعطا، بیات ترک، افشاری، دشتی، بیات اصفهان.

چند اصطلاح موسیقی غربی

سنفونی - این واژه در زبان فرانسوی به صورت Symphonie نوشته شده و سنفونی تلفظ می‌شود. در زبان انگلیسی، املاي آن Symphony است و سیمفونی تلفظ می‌شود. در زبان فارسی نیز دو نوع املا و تلفظ سَمفونی و سَنفونی به کار رفته و می‌رود.

کلمه سنفونی، مرکب از پیشوند یونانی «Syn»، به معنای «با هم»، و واژه «فونی» به معنای «صدا» است.

سنفونی، پر عظمت‌ترین و باشکوه‌ترین شکل (فرم) موسیقی غربی است که با تعداد بسیاری ساز، بدون همراهی آواز و خواننده اجرا می‌شود. در سنفونی، تعداد اعضای ارکستر (مجموعه نوازندگان) بیشتر از دیگر شکل‌های موسیقی غربی است؛ معمولاً بین ۲۵ تا ۱۰۰ نوازنده.

هر قطعه سنفونی معمولاً متشکل از چهار موومان است.

موومان (Mouvement) - تصنیفی است که ممکن است به تنهایی به عنوان یک اثر کامل و مستقل شنیده شود، لیکن در عین حال، بخشی از تصنیف‌هایی بسیار وسیع‌تر مانند سونات‌ها، سوئیت‌ها، سنفونی‌ها و همانند آن را تشکیل می‌دهد.

سونات (Sonate) - این کلمه، مشتق از کلمه ایتالیایی Sanare، به معنای «به صدا درآوردن» و «صدادهنگی» است. سونات، یک شکل (فرم) موسیقی است برای ساز، آن هم بدون آواز، و نام آن بر حسب تعداد سازهایی که در اجرای آهنگ شرکت می‌کنند، تفاوت می‌کند.

مثلاً، سونات‌هایی که برای دو ساز باشد، در صورتی که نقش و اهمیت هر یک از دو ساز برابر باشد، «دوئو» (Due) یا «دوئت» (Duet) نامیده می‌شود، و سونات برای سه ساز را «تریو» (Trio) و برای چهار ساز را «کوارتت» می‌نامند، و برای پنج ساز «کوینتت» ...

البته سونات اگر برای ارکستر بزرگ تصنیف شود، سنفونی نامیده می‌شود. معمولاً سونات اگر برای یک یا دو یا سه ساز نوشته شود، سه موومان دارد و اگر برای سازهای بیشتر یا ارکستر بزرگ (ارکستر سنفونیک) تصنیف شده باشد، متشکل از چهار موومان خواهد بود.

سوئیت (Suite) - سوئیت از قدیمی‌ترین شکل (فرم)‌های موسیقی غربی است که فقط با ساز (بدون آواز) اجرا می‌شود و بسیار موزون و متناسب برای رقص است. اوزان سوئیت مختلف و متنوع است.

اپرا (Opera) - اپرا واژه ایتالیایی است که معنای امروزی آن چنین است: یک تئاتر کامل همراه با صحنه، نور، بازی، نمایش و دیگر خصوصیات تئاتر؛ با این تفاوت که در اپرا، تمام گفتگوهای میان هنرپیشه‌ها، به صورت آوازی با همراهی ارکستر (گروه نوازندگان) سروده می‌شود. البته در اپرا، عامل موسیقی از عوامل نمایشی، مانند صحنه و لباس و بازی و غیر آن، اهمیتی بیشتر دارد.

اپرا در اواخر قرن ۱۶ میلادی توسط آهنگسازان ایتالیایی، به نیت تقلید از هنر تراژدی یونان به وجود آمد.

اپرت (Operette) - به معنای اپرای کوتاه است که کیفیت موسیقایی آن از اپرا پایین‌تر است و در واقع، بیشتر به منظور سرگرمی است. در

اپرت، قسمتی از گفتگوهای میان هنرپیشه‌ها، بدون همراهی موسیقی، یعنی به صورت گفتگوی معمولی اجرا می‌شود. این نوع موسیقی را امروزه گاهی «موزیکال کمدی» می‌نامند.

فولکور - در ادبیات، فولکور عبارت است از فرهنگ مردمی یک اجتماع که در میان مردم تثبیت شده و به صورت «سنت» درآمدہ باشد. در موسیقی، مفهومی نزدیک به موسیقی عامیانه یا موسیقی محلی دارد و به همین علت، در زبان انگلیسی، مفهوم موسیقائی فولکور را «فولک سانگ» (Folk Song) می‌نامند.

شکل و محتوای موسیقی

۱- نخست توضیحی مختصر درباره «شکل و محتوا» مطرح می‌کنیم: یکی از انواع ارتباط اشیا با یکدیگر، ارتباطی است که با اصطلاحات متعدد بیان می‌شود، ولی یک مفهوم کلی را ارائه می‌دهد، مانند: حاوی و محتوا، محتوا و محتوا، شکل و محتوا، عرض و جوهر، کیفیت و ذات، صورت و معنی، ظاهر و باطن، صورت و ماده، ظرف و مظروف به معنای عام آن، نمود و بود، ظاهر و حقیقت و ...

معنای جامع این مفاهیم متقابل به طور عام، عبارت است از: تبیین اجمالی یکی از آن دو، مثلاً محتوا یا ذات، به وسیله «شکل» یا «کیفیت». این مفاهیم متقابل را نمی‌توان بازگوکننده یک حقیقت معین تلقی کرد، زیرا الفاظ این مفاهیم از گروه الفاظ مترادف نیستند، مانند انسان و بشر، اگرچه به یکدیگر نزدیکند. مثلاً، «حاوی» به چیزی گفته می‌شود که دربرگیرنده چیزی دیگر است که محتوا یا محوی

نامیده می‌شود. اما به کار بردن لفظ «حاوی» دربارهٔ محتوا از نظر جنس و نوع و مختصات، هیچ چیز را تبیین نمی‌کند، مانند یک صندوق که ممکن است ده‌ها نوع موجود را در بر گرفته باشد. یا ظرفی که ممکن است استکان، قیچی، کفش، پارچه، ضبط صوت، کاغذ، قلم و ده‌ها نوع موجود را در خود جای دهد. در صورتی که قالب و محتوا دست کم می‌تواند عرض و طول و حجم محتوایی را که در بر گرفته است، ارائه دهد. در کیفیت و ذات، ممکن است کیفیت، خصوصیتی متعدد و متنوع از ذات را تبیین کند، مانند رنگ و شکل و دیگر کیفیات یک برگ درخت. حتی در اجسام مصنوعی، مانند صندلی و میز و قالی نیز این مطلب صادق است.

به دو نکتهٔ مهم در این جا اشاره می‌کنیم:

نکتهٔ یکم - مسائلی که پیرامون مقایسه‌ها در این بحث مطرح می‌کنیم، به طور اختصار و به مقدار ضرورت است، وگرنه بسیاری از مطالب قابل بررسی در این مقایسه‌ها وجود دارد که احتیاج به بررسی‌های مشروح‌تر و تألیفات مستقل دارد.

نکتهٔ دوم - هر یک از پدیده‌های مورد مقایسه با موسیقی، نوعی عامل تحریک احساسات نشاط‌انگیز و یا خاصیت تأثرات انبساطی یا انقباضی مطلوب دارند. این احساسات و تأثرات از یک مقوله نیستند، همان‌گونه که لذا اید والای بشری از یک نوع نیستند.

ما این حقیقت را در مباحث آینده مطرح خواهیم کرد که: هیچ صدای موزون و جذاب و هیچ نوع موسیقی، محتوایی را از ذات خود